



بیانیه رسمی شماره ۳ شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹

کارگران و عموم مردم مبارز!

همان طور که در دو بیانیه ی پیشین این شورا آمده بود، روز اول ماه مه امسال، فرصتی دیگر بود برای رساندن صدای اعتراض کارگران و بیان خواسته های ایشان.

کارگران ایران هم زمان با دیگر هم طبقه ای های خود در سراسر جهان، در حد توان و علی رغم سرکوب گسترده در مراسم های این روز شرکت نمودند. در گزارش ذیل قصد داریم با رویکردی واقع بینانه سطح شرکت کارگران در مراسم های این روز و نیز سطح سرکوب گری حاکمیت سرمایه داری در ایران را پیش روی همگان قرار دهیم.

در برخی مناطق مراسم ها مطابق فراخوان این شورا و در دیگر نقاط مطابق ابتکار عمل و ملاحظات محلی مراسم برگزار شده است. نوع شعارها و اعتراضات انجام شده غالباً در اعتراض به بی حقوقی هایی چون حقوق معوقه، سطح پایین دستمزد، حذف یارانه ها و از این قبیل بوده است. عواملی همچون زمان کم برای تبلیغ، امکانات و رسانه های محدود برای نشر فراخوان یا فراخوان ها، تفاوت در زمان و مکان های اعلام شده توسط منابع مختلف، از جمله عواملی بوده است که در کمیت و کیفیت شرکت کنندگان در مراسم ها اثرگذار بوده است. از جمله

در اقدامی توسط صدای امریکا و از زبان سازگارا، کل مراسم به بوق زدن در ساعت یازده تقلیل داده شد و سعی در تحریف خواسته ها و مطالبات شد و یا رادیو فردا ساعت مراسم را، ساعت یازده صبح اعلام نموده بود.

اما دو عامل اساسی و پُر وزن در نحوه و سطح برگزاری مراسم های اول ماه مه - و دیگر جنبه های مبارزاتی کارگران - همانا سرکوب گسترده و افسارگسیخته ی حاکمیت سرمایه داری از یک سو و سطح آگاهی طبقاتی و سطح مبارزات جنبش کارگری از سوی دیگر است. هر گرایش فکری، خود درک خاص خود را

از میزان وزن واقعی این دو فاکتور دارد. امیدواریم گزارش این شورا، در تحلیل جریانات کارگری برای واقعی دیدن وزن هر کدام از این دو عامل مفید واقع شود. اما ما در اینجا قصد تحلیل و اظهار نظر در این زمینه را نداریم و به انجام گزارشی عینی و تا حد توان خود تکمیل، از اتفاقات و مراسم ها بسنده می کنیم.

همچنین در اینجا لازم می دانیم ضمن تشریح یکی از اهداف اصلی اقدامات این شورا، توضیحی به برخی ملاحظات، نگرانی ها و نقد هایی که به هنگام انتشار بیانیه های یک و دو این شورا از جانب برخی جریانات کارگری شده بود، اضافه کنیم.

از جمله نگرانی ها، مساله توازن قوای کارگران در مقابل حاکمیت و احتمال

ادامه در ص ۳

عکس برداری

از



تقریباً غیر ممکن است

گزارش ویژه خیابان از مراسم روز کارگر در تهران

این دست شعارها به صورت پراکنده در خیابان آزادی و اطراف وزارت کار سر داده شد که به سرعت و به شدت سرکوب شد. نیروهای امنیتی و لباس شخصی دیگر اجازه کوچکترین توقیفی در مسیر را نمی دادند حتی در پارک ها و فضاهای سبز بین مسیر نیز به مردم اجازه نشستن نمی دادند. در ایستگاه های اتوبوس هم نیروهای انتظامی و لباس شخصی مستقر می شود تا رفت و آمد مردم کنترل شود. وضعیت کم کم از حالت بحرانی خارج می شود و همه چیز می رود تا به حالت عادی برگردد.

روز جهانی کارگر با اعلام فراخوان شورای برگزاری روز جهانی کارگر و و اطلاع رسانی سبزه ها و دعوت به حضور مردم اقشار مختلف گرچه رویکردهای متفاوتی نسبت به این روز دارند نه با حضور پررنگی مواجه شد و نه وزنه کارگری قابل توجهی داشت. کم رنگ تر شدن حضور مردم در صحنه اعتراضات که دیگر برخلاف روزهای نخست هر فرصتی را جولانگاه ابراز خواست های خود نمی بینند از یک سو و عدم استقبال کارگران از اعلام خیابانی شورای برگزاری مراسم روز کارگر امسال خود گویای واقعیات و درس های بسیاری است که عدم بازبینی در آن افق روشنی را پیش روی مبارزات مردم ایران ترسیم نمی کند.

مرگ بر دیکتاتور در خیابان آزادی بلند می شود اما پلیس با یک حمله گازانبری جمعیت را به خیابان های فرعی منحرف می کند. اما سعی دارند همچنان وضعیت عادی خیابان را حفظ کنند. مترو بسته نمی شود و حملات بیشتر از جانب نیروی پلیس است تا لباس شخصی. نیروهای لباس شخصی طبق معمول همیشه در میان مردم حضور چشمگیری داشتند. هر کس را که احساس می کردند چند بار مسیر را رفته و آمده شناسایی و دستگیر می کردند. علناً از مردم فیلمبرداری می کردند بعضی ها برایشان شکلک در می آوردند و بی تفاوتی خود را نشان می دادند. علاوه بر جمعیتی که پیاده رو ها را به دنبال فرصت مناسب بالا و پایین می رفت اتوبوس های تندرو(بی آر تی) هم وسیله مناسبی برای طی خیابان آزادی تا انقلاب بودند. از مکالمات مردمی که سوار اتوبوس بودند پیدا بود که می دانند چه خبر است و برای تماشا هم که شده به آن جا آمده اند. برخی از فعالین هم از همین وسیله برای آگاه کردن مردم درباره این که امروز چه خبر است و برای چه به خیابان آمده اند و برای چه این همه پلیس در خیابان است استفاده می کردند.

مقابل متروی آزادی در میان آن همه نیروی امنیتی ناگهان فریاد مرگ بر دیکتاتور بلند شد که البته فراگیر نشد و به شدت سرکوب شد بسیاری زخمی شدند و گویا بسیاری را هم دستگیر کردند. از

تهران

۱۱ اردیبهشت

خیابان آزادی و انقلاب به شدت در کنترل نیروهای امنیتی رنگارنگ رژیم قرار دارد. نیروهای انتظامی به فاصله نیم متری از هم و در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی چسبیده به هم صف کشیده اند. دانشگاه تهران صبح خبری نبود. نگهبانها هم طوری رفتار نمی کردند که انگار روز به خصوصی است. فراخوان و اعلامیه ای هم برای تظاهرات داده نشده بود. اما به ناگهان حدود ساعت ۲ کلاس ها که تعطیل می شود دانشجویان به صورت خودجوش به سمت سر در اصلی حرکت می کنند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند. صدای بوق یکسره اتوموبیل هایی که در خیابان انقلاب اند نیز بلند می شود. پلیس دست پاچه به مردم خیابان و اتوموبیل ها حمله می کند. فرار می کنیم. صدای دانشگاه هم بعد از مدتی قطع می شود. تجمع دانشگاه را به سرعت سرکوب می کنند. ۱۶ آذر و خیابان های منتهی به انقلاب بسته می شود و گاردهای ویژه آن را محاصره می کنند. هرچه به ساعت ۵ نزدیکتر می شویم هم جمعیت زیادتر می شود و هم بر تراکم نیروها افزوده می شود. از توقف مردم در کنار خیابان جلوگیری می کنند و به هر که مشکوک می شوند دستگیرش می کنند. فضا ملتهب است. ناگهان شعار

تأیید حکم اعدام برای دو بازداشت شده ی اعتراضات مردمی

کمیته گزارشگران حقوق بشر - حکم اعدام محمدعلی حاج آقای و جعفر کاظمی، دو تن از متهمان وقایع پس از انتخابات از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد.

پیش از این شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به قضاوت مقیسه، این دو تن را به اتهام «محاربه از طریق همکاری و ارتباط با منافقین» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به اعدام محکوم کرده بود.

محمد علی حاج آقای و جعفر کاظمی، در ۲۷ شهریور در یکی از تجمعهای اعتراضی پس از انتخابات ریاست جمهوری بازداشت شده بودند.

لازم به ذکر است وکیل این دو متهم، در طول مراحل دادرسی از مطالعه پرونده محروم بوده و حکم دادگاه تجدیدنظر نیز «با تاخیر» به وی ابلاغ شده است.

در روزهای اخیر اخبار دیگری مبنی بر صدور حکم اعدام برای برخی دیگر از بازداشتشدگان پس از انتخابات منتشر شده بود. معصومه یآوری نیز از بازداشتشدگانی است که گزارشها حاکی از «درخواست صدور حکم اعدام» برای وی است.

مطهره بهرامی، محسن دانشپور مقدم، احمد دانشپور مقدم، ریحانه حاج ابراهیم و هادی قائمی نیز از بازداشت شدگان عاشورا هستند که به اعدام محکوم شده اند.

محمدرضا علیزمانی و آرش رحمانیپور، به اتهام عضویت در انجمن پادشاهی در بهمنماه سال گذشته اعدام شدند. دادستان تهران، این افراد را با اتفاقات روز عاشورا مرتبط دانست در حالی که آنان پیش از انتخابات بازداشت شده بودند.

پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته در ایران، هزاران نفر از مردم معترض بازداشت شدند. تعدادی از بازداشتشدگان کشته شده و برخی دیگر به «اعمال شکنجه در بازداشت‌های مخفی برای اخذ اعتراف» اشاره کردند.

بسیاری از نهادهای بینالمللی مدافع حقوق بشر نسبت به صدور حکم اعدام برای معترضان به نتیجه انتخابات اعتراض کردند.

معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین الملل، پس از اعدام علیزمانی و رحمانیپور گفت: «این اعدامها نشان میدهد که چگونه مسئولان در ایران از نظام قضایی به عنوان وسیله ای برای سرکوب معترضان استفاده میکنند.»



موج سرخ اول ماه مه شکست سکون سیاره آبی

در کشور آسیایی کامبوج نیز هزاران کارگر در میدان شهرها تجمع کرده و ضمن درخواست بهتر شدن شرایط کار و معیشت خود، خواستار ایجاد یک دادگاه کار شدند.

صفوف هزاران نفری کارگران در مانیل پایتخت فیلیپین با اعتراض به شرایط کار و کارگری خواستار تغییر این شرایط شدند. سؤال پایتخت کره جنوبی نیز شاهد گردهم آبی بیست هزار نفری کارگران و کشاورزانی بود که بهبود اوضاع زندگی شان را درخواست می کردند.

خیابان های توکیو و تایوان نیز روز شنبه به اشغال کارگرانی درآمده بود که به شرایط موجود زندگی خود معترض بودند. در کوالالامپور پایتخت مالزی و هنگ کنگ نیز هزاران کارگر معترض در گردهم آبی های خود روز جهانی کارگر را پاس داشتند.

اول ماه مه روز جهانی کارگر، امسال نیز به بهترین شکل ممکن بی مرزی جهان پر رنج زحمتکش را به نمایش گذاشت.

جاودان و خجسته باد اول ماه مه
برقرار باد اتحاد جهانی کارگران
پیروز باد مبارزات کارگری

بجوجه بحران اقتصادی جهانی شرایط زندگی زحمتکشان را آسیب پذیرتر می کنند به چالش گرفتند.

آتن پایتخت یونان شاهد درگیری های شدید بین کارگران و پلیس ضد شورش این کشور بود. نیروهای پلیس در مقابله با کارگران خشمگینی که به سیاست های ریاضت جویانه ی دولت ورشکسته یونان اعتراض می کردند به شلیک گاز اشک آور متوسل شدند.

در سویس پلیس در تقابل با معترضین از ماشین های آبپاش استفاده کرد و خیابان های هامبورگ در آلمان نیز عرصه درگیری پلیس با تظاهرات کنندگان اول ماه بود.

در کوبا نیز تظاهرات امسال با استقبال بزرگی روبرو شد. در جاکارتا پایتخت اندونزی هزاران کارگر شرکت کننده در مراسم اول ماه مه مقابل کاخ ریاست جمهوری این کشور تجمع کرده و با شعار کارگران اتحاد اتحاد، و به اخراج کارگران پایان دهید به اعتراض پرداختند.

در روسیه حدود دو میلیون نفر به خیابان ها آمدند و با در دست داشتن پرچم های سرخ و تصاویر اتحاد شوروی به سیاست های اقتصادی دولت کنونی روسیه، افزایش قیمت ها و گسترش بیکاری اعتراض نمودند.

روز اول ماه مه امسال میلیون ها تن از ساکنان این سیاره آبی در خیابان های شهرها سرازیر شدند تا در گردهم آبی های سرخ خود، حضور نامیرای اهداف بالنده ی انسانیت مترقی را یکبار دیگر به حاکمان آن اعلام کنند.

ار هنگ کنگ تا استانبول، انبوه تظاهرات کنندگان در شهرها راهپیمایی کردند و خواستار بهبود شرایط زندگی و ایجاد کار و افزایش دستمزد شدند.

در استانبول ۱۴۰ هزار کارگر ترکیه میدان بزرگ «تقسیم» را به اشغال خود درآوردند تا ضمن اعلام خواسته های خود، خاطره ۳۴ تن از رفقایشان را که ۳۰ سال پیش با گلوله مزدوران سرمایه در این میدان به خاک افتاده بودند گرامی بدارند. دولت های گوناگون ترکیه مدت مدیدی از تجمعات و گردهم آبی های کارگری در میدان تقسیم جلوگیری می کردند. اما در چند سال اخیر طبقه کارگر ترکیه توانسته است بار دیگر حضور خود را در این میدان مهم تاریخی استانبول بر طبقه حاکم تحمیل کند.

در کشورهای اروپایی نیز مراسم اول ماه مه با گستردگی صورت پذیرفت. دهها هزار تن از کارگران و متحدان جنبش کارگری در راهپیمایی ها و تجمعات خود سیاست های اقتصادی دولت ها را که در

جایگاه انسان در جهان



انسان در گستره تاریخ

کامران نیری

الکترومغناطیسی، نیروی قوی هسته ای، و نیروی ضعیف هسته ای. این چهار نیرو در توازن کاملی قرار گرفتند که امکان وجود و گسترش عالم هستی را به نحوه قابل دوامی تضمین کند. به عنوان مثال، اگر نیروی جاذبه کمی قوی تر بود همه ماده در خود فرو می رفت و اگر قدری ضعیف تر بود اتم ها شکل نمی گرفتند. دانشمندان بر این باورند که دیگر عالم های هستی ای وجود داشته اند که در آنان چنین توازنی بین نیروهای چهارگانه ایجاد نشده و از بین رفته اند..

از ۳۰۰ هزار سال تا یک میلیارد سال بعد از «انفجار بزرگ» کهکشان ها شکل گرفتند. کهکشانی که ما در آن زندگی می کنیم ۱۲ میلیارد سال قبل در گوشه ی نسبتاً خلوتی از جهان هستی بوجود آمده است. خورشیدی که ما را گرم می کند و به ما نور می دهد ۴۶ میلیارد سال پیش شکل گرفته است. کرات منظومه شمسی، از جمله کره زمین، از باقیمانده ماده ای که حول و حوش خورشید پراکنده بود بوجود آمده اند. در این بین کره زمین به اندازه ای است که میزان مطلوبی از نیروی جاذبه و نیروی الکترومغناطیسی بدست می دهد تا پوسته ی سختی بدور مواد مذاب درونش شکل گیرد. به همین روال، کره زمین در فاصله مطلوبی با خورشید، بطور متوسط ۹۳ میلیون مایل؛ قرار گرفته تا میزان مطلوبی از حرارت برای تشکیل ملکول های پیچیده بدست دهد. در کرات منظومه شمسی تنها کره زمین است که در آن فعالیت شیمیایی مداوم در جریان است.

کره زمین که ۴۶ میلیارد سال پیش شکل گرفت طی ۵۰۰ میلیون سال سرد شد و حدود ۳٫۹ میلیارد سال پیش پوسته سختی پیدا کرد. آتش فشان ها به فعالیت پرداختند، شهاب ها به سطح زمین اصابت کردند، و طوفان های الکتریکی عظیم در جریان بود. گازهای نیتروژن، آراگون، نئون و کربنیک و هم چنین بخار آب جو زمین را ایجاد کردند. بخار آب سرد شد و برای میلیون ها سال باران های طولانی بر سطح زمین بارید. اولین موجود زنده از میان این شرایط بوجود آمد. می دانیم که سرمنشأ همه گونه انواع موجودات یکی

است چرا که همه در زمینه ژن و شبکه های بیوشیمی شباهت دارند. این سرمنشا حیات را «تولد بزرگ» می خوانند. قدیمی ترین ترین نشانه از حیات فسیل های باکتری باکتریی است که ۳٫۵ میلیارد سال پیش زندگی می کرده است.

سلول سرمنشأ حیات که از جوشش در سطح زمین بوجود آمده بود با ایجاد پروتئین ها، اسیدهای هسته سلولی و اطلاعات ژنتیکی به سلول زنده حقیقی تبدیل شد. اولین سلول ها در پوسته ای قرار گرفتند و حدود ۵۰۰۰ پروتئین و آر. ان. ای و دی. ان. ای داشتند. داستان حیات روی کره زمین از این به بعد از طریق نظریه داروینی بیان می شود که

یک سلول باکتریی

بعدا به آن می پردازم. در اینجا نظر خواننده را به چند ملاحظه از یک منظر ماتریالیستی جلب می کنم. اول اینکه عالم هستی و اجزاء بی جان و جاندار آن نه از روی یک طرح از پیش تدارک دیده دیده شده که بر اساس یک سری اتفاقات بوجود آمده اند. علم فیزیک یا نظریه داروینی توضیح یک سری عوامل و اثرات گاه بسیار پیچیده است که به ایجاد جهان هستی (فیزیک) و تنوع انواع (نظریه داروینی) می پردازند.

دوم این واقعیت است که بدن انسان خود موزه تاریخ حیات در کره زمین است. ما ماده و انرژی عالم وجود هستیم. سلول های بدن ما از اتم هایی متشکل است که در انفجار ستاره ها بوجود آمده است و نشان از محیط هیدروژنی و کربنی کره زمین در زمان شکل گیری حیات دارد. کربن با پنج عنصر دیگر ترکیب می شود تا مواد شیمیایی که در همه نوع حیات وجود دارد را ایجاد کند. کربن ۹۹ درصد وزن جامد همه موجودات زنده، از جمله انسان، را تشکیل می دهد. هر انسان از یک سلول زاده می شود، سلولی چون سلول سرمنشأ حیات. اولین سلول ها باکتری بودند و هنوز بدن ما ده برابر تعداد سلول هایش باکتری دارد. خون و اشک و عرق ما نمک دریا را حمل می کند. نطفه هر انسان برای ۹ ماه در محیطی آبی بزرگ می شود. بدن ما چون سطح کره ارض ۶۵ درصد از آب تشکیل شده است. ما به مفهومی بسیار عمیق و اساسی از

زمین هستیم.

سوم این است که حیات روی کره زمین خود عاملی است که آن را مناسب زندگی می کند. به عبارت دیگر، با از بین رفتن تنوع انواع در کره زمین زیربنای عواملی که کره زمین را برای زندگی مناسب کرده است از بین خواهد رفت. در واقع در مقطعی از فرآیند زایش و گسترش حیات در کره زمین، خود انواع زندگی در فراهم آوردن شرایط بهتر مؤثر شدند. این نظریه را «گایا» (که نام الهه زمین در استوره یونانی است) گذاشته اند. نظریه گایا از جیمز لائو لاک دانشمند انگلیسی است که در اساس می گوید کل حیات روی کره زمین از جمع اجزاء آن بیشتر است. نکته نهایی اینست که انسان و جوامع انسانی لحظه کوتاهی از عمر تاکنونی جهان هستی را تشکیل می دهند. جدول زیر گویای این واقعیت است:

جدول زمان بندی فشرده عالم هستی

اگر جهان هستی ۱۳ سال پیش بوجود آمده باشد ...
کره زمین تنها ۵ سال از عمرش می گذرد ...
موجوداتی که بدنشان از سلول های زیادی تشکیل شده است تنها ۷ماه سابقه دارند
شهابی که دیناسورها را از بین برد ۳ هفته پیش با کره زمین تصادم داشته است
نوع بشر (هومو ساپینز) ۵۳ دقیقه پیش بوجود آمده است
جوامع کشاورزی اولیه صرفا ۵ دقیقه قبل ایجاد شدند
تاریخ ثبت شده تمدن تنها ۳ دقیقه سابقه دارد
و جامعه صنعتی ۶ ثانیه پیش ایجاد گردیده است

منبع: دیوید کریستیان، «تاریخ جهان در زمینه اش»، ژورنال تاریخ جهانی، دسامبر ۲۰۰۳، ص ۴۴۰. نقل از کتاب «تاریخ بزرگ» نوشته سینتیا استوکز بران، ۲۰۰۷

ادامه از ص ۱

سرکوب و دستگیری و « هزینه ی » بالایی که پاسخ به فراخوان ما می توانست در پی داشته باشد، بود.

این شورا تلاش نمود با مطالباتی نمودن شعارها و اعتراضات، تا سر حد توان خود جنبه ی طبقاتی سمت و سوی اعتراضات و تجمع های روز جهانی کارگر در ایران را تقویت نماید. به جای بی عملی و یا وادادن میدان عمل به جناح های سرمایه داری اعم از اصلاح طلبان و یا اصولگرایان و یا جناح های سازشکار موجود در جریانات کارگری، ما این وظیفه را بر خود مبرم دانستیم که با طرح مشکلات مختلف سیاسی-اقتصادی-اجتماعی موجود در جامعه ی سرمایه داری ایران و طبعا در سطح جهان، بر رویکرد رادیکال و کارگری و طبقاتی و بر لزوم تشکل محوری مبارزات توسط کارگران تاکید کنیم. ما بر این نکته ی اخیر کرارا در بیانیه شماره دو تاکید کردیم که کارگران راهی جز مبارزه با ابزار تشکل های مستقل کارگری ندارند.

خوشبختانه تا حدی بیش از انتظار ما، بیانیه ی شماره یک و دو این شورا مورد استقبال گروه ها و جریانات مدافع طبقه ی کارگر قرار گرفت. با حمایت رسانه ای، تبلیغی و انتشاراتی آنان این بیانیه ها در سطح وسیعی منتشر شد و به عنوان یک جایگزین رادیکال به جای تمامی این همه مفاهیم و راه حل های ارائه شده توسط جناح های سرمایه داری – و مثلاً اصلاح طلبان و رسانه های غربی حامی آنان – توانست طرح گردد. اگر نه در همه جا، اما در میان بخش های گسترده ای از عموم مردمی که از طریق اینترنت خوراک های شبانه روزی لیبرالی و نو لیبرالی به خوردشان داده می شود، این بیانیه ها مطرح گردید و به اندازه ی خود چالش برانگیز شد. تا جایی که اصلاح طلبان و «سبز ها» از درج کامل بیانیه ی شماره دو هراسیدند و آن را سانسور نمودند. اما نتوانستند از رسمیتی که این بیانیه با حمایت جریان های کارگری یافته بود، بگریزند و بالاخره ناچار شدند دست کم به انتشار این بیانیه اشاره کنند.از طرفی ما تا حد توان توانستیم با ارائه تحلیلی از وضعیت روز به پیشنهاد راه حل های رادیکال بپردازیم و این در حالی بود که علاوه بر سرکوب و فریب جناح سرمایه داری در اردوی اصولگرایان ، جناح سرمایه داری اصلاح طلبان و در راس آنان موسوی و کروبی تلاش نمودند با تیریک نامه های دغل کارانه ی خود به مناسبت روز جهانی کارگر ، ضمن تقلیل و تحریف مطالبات کارگری ،کارگران را دعوت به مبارزه برای بازگشت به قانون اساسی جمهوری اسلامی نمایند !

کار گروهی و قوی بخش انتشار شورا، در کنار حمایت گسترده ی جریان های کارگری در خارج و داخل منجر به طرح شعارهای طبقاتی، و راه حل ها و گزینه های سوسیالیستی مخصوصا برای جوانان گردید.

تا اینجای کار ما به هدف اولیه خود رسیده بودیم.

اما گزارشی که در پی می آید (به دلیل محدودیت صفحات «خیابان» قادر به انتشار گزارش ذکر شده نشد) نشان دهنده ی این است که مراسم ها و تجمعات برگزار شده در این روز تا چه حد مطابق هدف ما برای طرح خواسته ها و راه حل های رادیکال آن و جلوگیری از سم پراکنی جریانات اصلاح طلب یا اصولگرا برای «تعویض» مطالبات و راه حل ها با انواع سرمایه داری آن، برگزار شده است. در حد قد و قواره ما و بدنه ی

ادامه در ص ۴



از چشمان مارکسیسم

(بخش پنجم)

رفع چند ابهام

امین قضایی

ما هنوز سئوالات اولیه ی خودمان را فراموش نکرده ایم؛ ما در چه جامعه ای زندگی می کنیم؟ به چه روشی می توانیم آنرا بشناسیم؟ پاسخ ما یک «نمی دانم» بود. بیاییم قوانین و ماهیات پدیده ی اجتماعی را به دانشمندان علوم اجتماعی یا مدیران و رهبران جامعه واگذاریم ، یا آنرا سئوالی مربوط به حیطه ی نظریه پردازی بدانیم. اما اگرچه نمی توانیم جامعه را بشناسیم، اما می توانیم بفهمیم که آیا این جامعه و وضعیت موجود مطابق منافع و میل ما هست یا خیر؟ به عبارت دیگر ، اگرچه موضوع مورد آگاهی خود را فی نفسه نمی شناسیم اما می توانیم تضاد میان آن با منافع و علایق خویش را درک کرده و آنرا رفع کنیم. آگاهی مارکسیستی بر چنین دیالکتیکی میان منافع فرد و جمع استوار است. سپس این دیالکتیک را هرچه بیشتر ملموس و مادی کردیم : از تضاد فرد و جمع ، به تضاد تولید کنندگان با شیوه ی تولید رسیدیم. چرا؟ چون منفعت در جامعه با شیوه ی تولید بوجود می آید و طبعاً تضاد منافع هم ناشی از همین تضاد فرد با شیوه ی تولید است. چون این تضاد ، بیشترین ضرر را به منافع ما می زند. (اما نه الزاما و نه همیشه. شاید موقتا تضادهای بدتری هم بوجود آید)

بسیاری از نظریه پردازان علوم انسانی برمارکسیسم خرده می گیرند که چطور مارکسیسم با قطعیت حرف می زند؟

نظریات اجتماعی همواره نسبی هستند و فقط دیدگاهی را بر جامعه می گشایند و یک پدیده را از زوایای محدودی بررسی کرده و توضیح می دهند. چرا مارکسیسم این چنین قطعیت دارد؟ آیا این جزمی مذهبی است و یا یک توهم شناخت یقینی؟

ممکن است برای عده ای هم این سؤال پیش آید که چرا من اصول اساسی مارکسیسم را دوباره توضیح می دهم و به نظر ایشان ، همه ی اینها قبلا در کتاب های اصلی مارکس ، انگلس و دیگر متفکران بزرگ مارکسیست بهتر از من توضیح داده شده است. متأسفانه اغلب آنها از روش شناسی مارکسیسم آغاز نکرده اند. این ادعا را دارم که مارکسیسم در سیر تکوین خود این چنین منظم توضیح داده نشده است و لاقال این تلاش من کاری تکراری نیست. همچنین لازم است مارکسیسم را با علم به توهمات و اسطوره های جدیدی که بورژوازی به آن نسبت می دهد، دوباره تشریح کرد و ابهامات را زدود. یک دلیل عمده برای توضیح مارکسیسم، پاسخ به همین خرده گیری های فوق است. مثلاً ما اکنون به اعتراض فوق براحتی پاسخ می دهیم چون روش شناسی مارکسیسم را می دانیم . در پاسخ خواهیم گفت مارکسیسم نه تنها برقطعیت استوار نیست بلکه بر «نمی دانم» استوار است. مارکسیسم اصلاً نظریه ای درباره ی جامعه ندارد. توضیحی درباره ی پدیده های اجتماعی نمی دهد. مگر اینکه…

بله. مگر اینکه سوژه ی شناسنده و منافع آن با ابژه در نظر گرفته شود. مارکسیسم پدیده های اجتماعی را توصیف نمی کند و در مورد آنها گزاره ای صادر نمی کند که بخواهد احتمالی باشد یا قطعی. (اگر هم باشد در اصول نیست). برای مثال مارکسیسم پیش بینی نمی کند که جوامع سرمایه داری به سوی سوسیالیسم تکامل پیدا می کنند. این گزاره توصیفی است و می تواند احتمالی یا قطعی باشد. اما مارکسیسم می گوید: منفعت پرولتاریا ایجاب می کند که تضاد میان منافع خود و سرمایه داری را رفع کند و رفع این تضاد در گروی نابودی سرمایه داری و برقراری جامعه ی سوسیالیستی است.میان این دو گزاره تنها شباهت ظاهری وجود دارد، اما این دو گزاره کاملاً متفاوت اند چرا که

اولی توصیفی است یعنی گویی واقعیتی را درباره ی جهان خارج توصیف می کند و آنرا به ما خبر می دهد. اما در دومی پیش بینی وجود ندارد، چیزی توصیف نمی شود بلکه یک نتیجه ی منطقی و ضروری بنابر منافع سوژه ی شناسنده گرفته می شود. بنابراین ضرورت مارکسیستی، ناشی از قطعیت نسبت به جهان نیست. گزاره های توصیفی یا احتمالی هستند یا قطعی. اما گزاره های تجویزی شروط ضروری یا کافی هستند یا هر دو. مثلاً ما پیشتر گفتیم که بنیادی ترین تضاد، تضاد طبقاتی است. مهم نیست که در جهان خارج واقعا مجموعه تضادهایی باشد که یکی از آن از همه بنیادی تر است. مسئله اینجاست که به نفع پرولتاریا است که تضاد بنیادین جامعه را تضاد طبقاتی بدانند.

بنابراین چقدر نادان هستند کسانی که مارکسیسم را نوعی مذهب می دانند یا به قطعیت انگاری و جزم اندیشی متهم می کنند. این اتهام آخری از اولی هم مضحک تر است. کسانی که این اتهام را وارد می کنند حتی خودشان به سختی معنای جزم اندیشی را می فهمند. نظریه ای که بر جزم استوار باشد، جزم را بدیهی می انگارد. بسیاری از نظریات متافیزیکی و فلسفی بر این جزمیات استوار بودند، جزمیاتی مانند وجود بدیهی «سوژه»، یا اصل علیت و اصل عدم تناقض، اصل بهترین جهان و غیره. آیا مارکسیسم درباره ی جامعه ، گزاره ای صادر می کند که آنرا بدیهی می شمارد؟ پاسخ خیلی مشخص است ، آگاهی که روش شناسی آن دیالکتیکی باشد یعنی تنها بر رفع تضاد میان سوژه و ابژه استوار باشد و نه بر گزاره ای پیشینی درباره ی آندو، مطمئناً جزم اندیش نخواهد بود. در واقع ، روش شناسی دیالکتیکی برای گریز از همین جزمیات متافیزیکی بوجود آمد و ما ، برچسب ها و دروغ های تبلیغات بورژوایی برعلیه مارکسیسم، متکی بر جهل یا تجاهل نسبت به روش شناسی مارکسیستی است. ممکن است اعتراض شود که پس آیا مارکسیسم اصلاً قابل نقد نیست؟ البته که هست. گزاره های مارکسیستی می توانند درست یا غلط باشند اما این صحت و سقم تنها نسبت به منافع پرولتاریا تعیین می شود . باید نشان

داده شود که آنها با منافع پرولتاریا (این سوژه تغییر دهنده و شناسنده ی آن) در تضاد قرار دارد. برای مثال این گزاره که بنیادین تضاد همواره تضاد طبقاتی است می تواند در برخی موارد موقتا صحیح نباشد.

اتهام شایع دیگر این تصور عوامانه است که مارکسیست ها به آرمان شهر و اتوپیای سوسیالیسم یا کمونیسم اعتقاد دارند و بعد این حکم جذاب را صادر می کنند که اتوپیا ممکن نیست و باید واقع بین بود.اما آیا ما در بحث خود گفتیم که مارکسیسم برای رسیدن به یک اتوپیا به نام کمونیسم تلاش می کند؟! کسانی که چنین اتهاماتی را وارد می کنند هیچ درکی از روش شناسی ندارند. روش شناسی اتوپیایی ، بر این اساس مبتنی است که نظریه پرداز برای تغییر جامعه و وضعیت موجود، جامعه ای مناسب و ایده آل فرض و تخیل می کند و سپس براساس قیاس جامعه ی موجود با جامعه ی آرمانی و ذهنی خود، درباره ی وضعیت موجود گزاره ی تجویزی صادر کند. اما روش شناسی مارکسیستی اتوپیایی نیست بلکه دیالکتیکی است. سوسیالیسم یا کمونیسم، در ابتدای امر تخیل نمی شود بلکه از شرایط موجود و برای رفع تضادها نتیجه گرفته می شود. سوسیالیسم، اتوپیایی در آینده ای دور نیست بلکه همین جامعه است که تضاد شیوه ی تولید عقب مانده ی خود را با انسانهایی که همه چیز را تولید می کنند ، رفع کرده باشد. مسخره است که اگر انسانهایی برای منافع خود و رهایی از بهره کشی و استثمار تلاش کنند، موجوداتی خیال پرداز تصور شوند. جدا از چرند بودن این نقد، این دیدگاه بسیار نفرت انگیز است. بسیاری از پیشرفت هایی که ما امروز بدست آورده ایم مانند محو برده داری و اینک آنرا بدیهی و منطقی می شماریم در گذشته های دور نیز خیال پردازی بردگان شورشی و امر ناممکن تصور می شد.

در بخش بعدی دو سوی این تضاد بنیادین میان تولید کنندگان و شیوه ی تولید را بررسی خواهیم کرد. در اینجاست که از روش شناسی مارکسیستی دو شاخه ی مختلف در دو علم تاریخ و اقتصادسیاسی رشد می کند.

توهینی کرده باشد مهارت فراوان داشت . با نرمترین ساده ترین و دوستانه ترین روش ممکنه راه حل صحیح مسئله ای را به مخالفین شرح می داد بدون این که به جوانی و یا سادگی مخالفین توجهی کند آنها را تشویق می کرد که در بحث آینده شرکت کنند.

اقتدار و نفوذ اخلاقی ببل هم بر پرولتاریای آلمان و هم بر اعضای حزب به قدری عظیم بود که همیشه در محیطی که او در آن جلسه داشت اتمسفر احترام انگیزی حکمفرما بود.

سخنرانی ببل را در جلسه ی روز اول ماه مه ۱۹۰۴ شنیدم. این جلسه در بزرگترین سالن عمومی ای که در دسترس کارگران برلن بود برگزار شد. ولی حتی در آن زمان هم سالن نمی توانست همه ی شرکت کنندگان علاقمند را در بر گیرد. جمعیت زیادتری از داخل سالن در خیابان بود و پلیس های قوی هیکل آلمانی جمعیتی را که سعی می کرد وارد سالن شه و یک لحظه هم که شده ببل را ببیند عقب می راند. بعد از سخنرانی اش ببل بیر، آهسته از در کنار کناری بیرون می آمد. شنل زنده اش را که برای هر کارگر برلینی آشنا بود بر تن می کرد. بر روی دوچرخه اش ننشسته و دور می شد.

ادامه دارد

ادامه از ص ۳

کارگری که به این شورا اعتماد داشتند، بخشی از این هدف نیز برآورده شد، اما ما قصد عراق در هیچ وجهی از آن را نداریم و امید داریم با گسترش اتحاد میان نیروهای رادیکال در جنبش کارگری هر روزه با قدرت، کمیت و کیفیت بیشتری با سازماندهی سوسیالیستی مبارزات کارگری و از جمله برپایی مراسم اول ماه مه، به انجام وظایف طبقاتی خود دست یازیم.

امید که بدنه ی کارگری رادیکال و پر تعداد تری در آینده ی نزدیک مبارزات، وظایف سنگین تری را بر عهده بگیرد و بدون شک ما نیز به عضو کوچکی از آن، در انجام سهم خود شتاب خواهیم کرد.

و بالاخره از تمامی خانواده هایی که در هر کدام از مراسم های روز جهانی کارگر، فردی از خانواده ی آنان دستگیر شده است درخواست می کنیم با ارسال اسامی این عزیزان (از جمله ۱۵ نفر دستگیر شده در تهران و در مقابل وزارت کار) و سه نفر دستگیر شده در شهر سسندج ،به ما یاری نمایند تا با ایجاد یک کمپین اعتراضی سراسری برای آزادی هر چه سریع تر این عزیزان تلاش نماییم.

در پایان این شورا ضمن حمایت خود از حرکات اعتراضی این روزها توسط معلمان (که خود یکی از اقشار طبقه ی کارگر هستند)، بار دیگر بر لزوم پیوند و اتحاد میان جنبش های مختلف دیگر از جمله زنان، دانشجویی، حقوق کودک تاکید می نماید و از همه ی فعالینی که در برگزاری مراسم و اعتراض های روز جهانی کارگر تلاش نموده اند تشکر می نماید.

این شورا خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان مراسم روز جهانی کارگر می باشد و برای آزادی این عزیزان از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد.

این بیانیه را با یادآوری بخش پایانی بیانیه های پیشین به پایان می بریم که ما کارگران را دعوت به طرح اعتراضات و مطالبات در هر فضا و امکان و با محوریت مبارزات آگاهانه و تشکل محورانه می نمایم.

هر روز، روز جهانی کارگر است و کارگران باید با تقویت و یا ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی خود برای پیشبرد خواسته های خود تلاش و مبارزات خستگی ناپذیر کنند.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی کارگران

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹
اول ماه مه ۲۰۱۰ – یازده اردیبهشت ۱۳۸۹

خیابان را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید

گزارشات، دیدگاه ها و نظرات خود را برای ما ارسال کنید

فعالیت رسانه ای متعهد بایستی دگرگونی ریشه ای در زندگی فلاکتبار کنونی را هدف گیرد